

مشکلات بانکداری اسلامی در ایران با نگاهی به تجربه مالزی

سید جمال الدین محسنی زنوزی^۱
زهرا جلیلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۴

چکیده

گذشت چندین سال از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا، فرصت مناسبی برای مطالعه و ارزیابی آن است. توجه کارشناسی در ابعاد نظری و اجرایی بانکداری بدون ربا، نشان می‌دهد خلاها و اشکالاتی وجود دارد که می‌توان با اصلاح و تکمیل آن‌ها، گام‌های مؤثری در اصلاح ساختار نظام بانکی برداشت. یکی از اشکالات محوری که زمینه ساز اشکالات نظری و اجرایی فراوانی در عرصه ی بانکداری شده، تفکر جایگزینی یک به یک بانکداری بدون ربا با بانکداری متعارف ربوی است. اندیشه‌وران مسلمان از جمله طراحان بانکداری بدون ربا، در صدد این بودند که الگوی جامع و واحدی طراحی کنند تا بتوانند جایگزین کامل بانکداری متعارف باشد و از این نکته ی اساسی غفلت کرده‌اند که اسلام با تحریم قرض ربوی، انواع معاملاتی را تأیید کرده که در قالب واحدی نمی‌گنجند و هر یک، مقتضای خود را دارند. روشن است که جمع کردن این معامله‌های متنوع با احکام و ضوابط گوناگون در قالب سازمان مالی به‌نام بانک، سبب پیچیده و مبهم شدن عملیات، صوری شدن قراردادهای، بالا رفتن هزینه‌های نظارت و کنترل و سرانجام غیرکارا شدن نظام بانکی می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که نظام بانکداری در ایران دارای مشکلاتی است و آنگونه که انتظار می‌رفته نتوانسته ربا را از معاملات خود حذف کند. در این رابطه مقایسه‌ای بین تجربیات ایران و کشور مالزی صورت گرفته است. این مقایسه نشان می‌دهد که مشکلات فوق در بانکداری اسلامی مالزی هم وجود دارد. اما بدلیل وجود رقابت بین بانکهای اسلامی و متعارف ربوی و استفاده بیشتر از عقود اسلامی در بانکهای اسلامی مالزی، رضایت بیشتری از عملکرد بانکداری اسلامی در مالزی مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، نرخ بهره، ربا، ایران، مالزی

طبقه بندی JEL: C93, G21, O53

jmzonouzi@yahoo.com

jalili.zahra.87@gmail.com

۱- استادیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه

۲- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه تبریز

مقدمه

اقتصاد ربوی اقتصادی است که در آن، گروهی با تمام توان کار می‌کنند و هزاران خطر و نگرانی را به جان می‌خرند و در پایان، بخش اصلی سود و دسترنج را به گروهی فاصله گرفته از عرصه ی کار و کوشش و بی تفاوتی در برابر اضطراب‌ها و افت و خیزهای اقتصاد واقعی، تحویل می‌دهند، به این جهت حذف ربا از فعالیت های اقتصادی نظام بانکی اسلامی طراحی شد. با وجود آن که حذف ربا از عملیات بانکی، مؤلفه ی اساسی و معیار و ویژگی اصلی بانکداری اسلامی شمرده می‌شود، اسلامی شدن نظام بانکی به مراتب از این تغییر فراتر می‌رود و مهم‌تر از آن، انطباق عملیات بانکی بر موازین شرعی است؛ پس هر قدر این عملیات بیش‌تر بر موازین شرعی منطبق باشد می‌توان ادعا کرد که به بانکداری اسلامی نزدیک‌تر شده‌ایم. در غیر این صورت، تغییر نظام بانکداری متداول از مقوله ی لفظ خارج نمی‌شود. این دو مؤلفه، بی‌تردید، لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند و اگر در جریان عمل، کاستی‌ها و نارسایی‌هایی ملاحظه می‌شود، به تحقیق، بدین علت است که عملیات موردنظر در قالب و چارچوب شرعی انجام نمی‌پذیرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر روابط اجتماعی و تغییر قوانین غیراسلامی، بازار پول و سرمایه، به ویژه نظام بانکی ایران نیز دستخوش دگرگونی اساسی شد که تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا، از مصادیق روشن آن به‌شمار می‌آید.

این مقاله با بررسی نظام بانکداری ایران، نشان می‌دهد که نظام بانکی، نخواستار یا نتوانسته آن گونه که انتظار می‌رفت، ربا و بهره را از معاملات خود حذف کند و ربا در موارد بسیاری به‌صورت پنهان و آشکار خود را نشان می‌دهد و کوششی برای بیان پاره‌ای از مشکلات بانکداری و پیشنهادهایی برای حل آن‌ها است.

۱- مشکلات پیشرو و راه حل‌ها

برخی از مشکلات بانکداری اسلامی را که می‌توانند تأثیر منفی بر کارایی بانک‌ها داشته باشند را به تفکیک خرد و کلان به صورت فهرست وار ذکر می‌کنیم و سپس به توضیح مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

الف. مشکلات خرد بانکداری اسلامی

۱. کمبود متخصصین بانکداری اسلامی
۲. فقدان استانداردهای حسابداری مربوط به بانکداری اسلامی
۳. فقدان استانداردهای یکسان و هماهنگ تحلیل‌های اعتباری
۴. بودجه‌های ناکافی برای تحقیق و توسعه

۵. فقدان راهنمایی های شرعی هماهنگ و یکسان .

ب. مسایل مربوط به عملکرد کلان بانک های اسلامی

۱. ناکافی بودن پشتیبانی های قانونی
۲. فقدان قوانین شرعی کاملاً یکسان در کشور های مختلف
۳. فقدان روابط متقابل با بانکهای اسلامی و غیر ربوی
۴. پایین بودن فرهنگ مالی وام گیرندگان از بانک های اسلامی
۵. نقدینگی و سرمایه .
۶. رکود سیاسی و وضعیت کشور ها
۷. فقدان زیر ساخت ها برای تأمین مالی تجاری اسلامی در سطح بین المللی (ناداری کرج و صادقی، ۱۳۸۳، ۳۱)

۱-۱. تأخیر در بازپرداخت بدهی ها

در بانکداری بدون ربا، عقود بانکی از این لحاظ به دو گروه تقسیم می شوند: گروه نخست، عقود مشارکتی است که در آن ها رابطه ی بانک و مشتری همانند دو شریک است. گروه دوم، عقود غیر مشارکتی است که پس از انجام معامله، رابطه ی بانک و مشتری، رابطه ی دائن (طلبکار) و مدیون (بدهکار) است.

در گروه نخست (عقود مشارکتی)، هم زمینه برای تمدید مهلت و هم برای جریمه ی خطاکار وجود دارد. در این عقود که بانک و مشتری در مؤسسه ی خاصی به نحو مشارکت سرمایه گذاری کرده اند، تا هر زمان که مصلحت بدانند می توانند قرارداد را تمدید کنند بدون این که یکی از دو طرف از این تمدید متضرر شود یا منفعی را از دست بدهد؛ برای مثال، وقتی بانک با مشارکت فردی، کارخانه ای احداث و راه اندازی می کند و آن فرد متعهد می شود طی ده سال، سهم بانک را به تدریج بخرد، اگر به هر دلیلی نتواند به تعهد خود عمل کند و به تمدید مهلت نیاز شود (مثلاً قرارداد ببندد سهم بانک را در مدت بیست سال بخرد) بانک هیچ گونه ضرری نمی بیند و منابض بدون استفاده نمی ماند؛ زیرا تا زمانی که سهم بانک خریداری نشده، مشارکت باقی است و بانک، متناسب با سرمایه ی خود، از سود فعالیت مذکور استفاده می کند. در این عقود، حتی بانک می تواند برای جلوگیری مشتری از سهل انگاری در عمل به تعهد، از ابتدای قرارداد شرط کند که اگر به هر دلیلی نتواند در تاریخ یا تاریخ های مقرر به تدریج سهم بانک را بخرد، نسبت های سود را به نفع بانک تغییر خواهد داد. در گروه دوم، هر نوع زیاد کردن بر اصل دین (مبلغ بدهی) چه برای تمدید مهلت و چه

به صورت جریمه‌ی تأخیر، در قالب هر رابطه‌ی حقوقی که باشد، ربا و حرام است؛ بنابراین راه حل پیشنهادی در این گروه از معاملات، گرفتن وثیقه‌ی قابل وصول در ابتدای معامله و به اجرا گذاشتن آن حین تأخیر و ممانعت است (موسویان، ۸۸، ۱۳۸۱).

ولی گرایش بانک‌های اسلامی به افراط در گرفتن وثیقه و ضمانت‌ها امکان استفاده از تأمین مالی را محدود به گروه ثروتمندان می‌کند؛ زیرا آنان توانایی ارائه ضمانت‌های ممتاز را دارند و این از خطرهای بزرگ است؛ چون به گردش انحصاری ثروت در دست ثروتمندان منتهی می‌شود و این، بدون شک بدترین نتیجه‌ی بانکداری ربوی است که بانکداری اسلامی برای تغییر آن پدید آمده است (القری بن عید، ۱۶۳، ۱۳۸۴).

نظر به این که بانک‌های اسلامی تأخیر پرداخت، در هر تأمین مالی را محتمل می‌دانند، به سوی این فرض گرایش یافته‌اند که هر مشتری در مظان تأخیر است و بر این اساس برای جبران آن به بالا بردن نرخ سود خود اقدام می‌کنند؛ زیرا پس از تثبیت دین در عهده مشتری نمی‌توانند به جای تأخیر در پرداخت، عوضی را مطالبه کنند. این اقدام به این نتیجه انجامیده که تأمین مالی با روش اسلامی در مقایسه با روش ربوی، هزینه بیشتری را در برداشته باشد و از این روی بانک‌های اسلامی به سبب سنگینی هزینه‌ها مورد انتقاد قرار می‌گیرند (همان، ۱۶۴).

برای رفع مشکل تأخیر در پرداخت بدهی‌ها، طرح مبتنی بر وضع جریمه دیرکرد بر هر تأخیرکننده و ایجاد صندوق ویژه برای واریز این جریمه‌ها پیشنهاد شده، بنابراین، طلبکار از این جریمه‌ها سودی نمی‌برد تا به ربا نینجامد؛ بلکه آنچه در این صندوق جمع می‌شود، به کارهای خیر و کمک به نیازمندان تخصیص می‌یابد؛ در نتیجه، هدف بازدارندگی از تأخیر پرداخت که برای حسن گردش دادوستد مالی ضرورت دارد، تحقق می‌یابد بدون این که ربای دین که شرعاً ممنوع است، محقق شود (همان، ۱۶۷).

از آنجایی که شرع تأخیر ثروتمند توانا در پرداخت بدهی را ظلم دانسته^۱ (همان، ۱۶۵) و از طرفی نیز قرآن تصریح می‌کند که به بدهکار ناتوان باید مهلت داد تا توانا شود^۲ (همان، ۱۶۶). در این طرح نیز درباره مهلت دادن افراد تنگدست تا توانا شوند، غفلت نشده؛ ولی بار اثبات تنگدستی را به جای طلبکار بر عهده بدهکار می‌گذارد و همواره فرض می‌کند که بدهکار توانایی پرداخت بدهی را دارد. در غیر این صورت او باید با شواهد و قرائینی که بانک می‌پسندد، ناتوانی خود را اثبات کند. اگر انجام داد، جریمه‌های دیرکرد به او برگردانده می‌شود. بدین گونه هر استفاده‌کننده از تأمین مالی بانک می‌داند که تأخیر پرداخت، هزینه دارد و بدان اقدام نمی‌کند (همان، ۱۶۷).

۱- پیامبر ﷺ فرمود: «مطل العنی ظلم». تأخیر توانا ستم است»

۲- وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ... (بقره (۲)، ۲۸۰) «اگر ناتوان است، مهلت داده شود تا توانا شود...»

۱-۲. گرایش نظام بانکی به حقیقت بهره (ربا)

برای نشان دادن این مطلب، لازم است به عملکرد بانکها در بخش اعطای تسهیلات توجه شود؛ چرا که بانکها مطابق قانون عملیات بانکداری بدون ربا، یا مالک سپرده‌ها هستند (در سپرده‌های دیداری و پس‌انداز) یا وکیل سپرده‌گذاران (سپرده‌های سرمایه‌گذاری)، و هرچه به‌صورت سود از طریق اعطای تسهیلات، به دست می‌آورند، پس از کنار گذاشتن سهم خود (در جایگاه مالک یا به صورت حق‌الوکاله)، بقیه را به صاحبان سپرده سرمایه‌گذاری می‌پردازند؛ پس اگر سود دریافتی بانکها از طریق اعطای تسهیلات، مشروع و از ربا خالی باشد، سهم بانک و سپرده‌گذاران نیز مشروع و خالی از ربا خواهد بود و اگر آن سودها ربوی باشد همان‌طور که سهم بانک، ربوی می‌شود سود اعطایی به سپرده‌گذاران نیز ربوی خواهد بود و در حقیقت، بانک به جای وکالت در دادن و گرفتن سود، در دادن و گرفتن ربا وکیل می‌شود. بانکها افزون بر سرمایه‌گذاری مستقیم، از طریق هشت عقد فروش اقساطی، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، جعاله، سلف، اجاره به شرط تملیک و قرض الحسنه، به اعطای تسهیلات اقدام کردند. در قانون عملیات بانکداری بدون ربا، شیوه‌های به‌کارگیری منابع بانک به‌لحاظ کیفیت تعلق سود، به پنج‌گروه تقسیم می‌شود که به اختصار به توضیح هر یک می‌پردازیم.

گروه اول، عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، حقوقی و مضاربه) هستند. در این عقود، مطابق قانون، نسبت‌های تقسیم سود در قرارداد، تعیین، و نرخ سود انتظاری، پس از کارشناسی مشخص می‌شود؛ اما نرخ سود قطعی بعد از انجام فعالیت اقتصادی و مشخص شدن سود واقعی به‌دست می‌آید (موسویان، ۱۳۸۱، ۶۹). در نتیجه، پیامد آن اعم از سود و زیان متوجه بانک نیز خواهد بود؛ بنابراین، لازم است نه تنها در آغاز کار، فعالیت مذکور را جهت سوددهی مطالعه و بررسی کند، بلکه در ادامه نیز باید برآن نظارت و کنترل شود و این، مستلزم تحول ساختاری در نظام بانکی است (همان، ۷۵).

اما در عمل، بانکها بدون توجه به نتایج واقعی معامله، حداقل سود پیش‌بینی شده را مطالبه می‌کنند، و مشتریان نیز می‌پردازند است. عملاً اعطای تسهیلات بر مبنای مضاربه را به صورت اعتبار در حساب جاری درآورده است؛ زیرا مشتریان، تحت عنوان مضاربه، وجوه را از بانک دریافت کرده و همین وجوه را به علاوه ی حداقل سود مورد انتظار بانک، بازپرداخت می‌نمایند (همان، ۷۶). در مشارکت مدنی، بانکها عموماً ملاحظه ی قانونی مربوط به پیش‌بینی سود را ندیده می‌گیرند و از همان ابتدا، نرخ‌های مربوط به پیش‌بینی حداقل سود را بدون توجه به واقعیت و میزان سود محقق، تعیین و محاسبه و از مشتری مطالبه می‌نمایند. فقط مشارکت حقوقی ماهیت واقعی را

حفظ کرده است و بقیه در عمل، به عقود با بازده ثابت تبدیل شده‌اند که ماهیت ربوی دارند (همان، ۷۷).

گروه دوم، عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک) است. سود آن‌ها هنگام معامله به صورت قطعی معین می‌شود (همان، ۶۹). بانک پس از معامله، مبلغ معین با سررسید مشخص را طلبکار است، تحولات آتی اقتصاد و چگونگی کارکرد مؤسسه ی طرف قرارداد بانک، هیچ تأثیری در درآمد و سود بانک ندارد، و به این سبب این قراردادها دارای ماهیت ربوی هستند (همان، ۷۳).

گروه سوم، عقود با بازده متغیر (سلف و جعاله) است که در آن‌ها، سود قطعی بانک، پس از پایان دوره ی مالی و براساس قیمت‌های پایان‌دوره و هزینه‌های تمام‌شده تعیین می‌شود (همان، ۷۰). اما آیین‌نامه‌های اجرایی و عملکرد بسیاری از شعب بانک‌ها به گونه‌ای است که ماهیت آن عقود را به بیان ذیل تغییر داده، به عقود با بازده ثابت تبدیل می‌کند.

سلف: اکثریت قریب به اتفاق شعب بانک‌ها، امکانات لازم جهت تحویل گرفتن کالای مورد سلف را دارا نمی‌باشند؛ لذا در پایان مدت قرارداد، از تحویل گرفتن کالا خودداری نموده و بعضاً نسبت به وکیل یا امین نمودن مشتری جهت فروش کالا اقدام می‌نمایند و بقیه که اکثریت را شامل می‌شوند، نسبت به اعطای وکالت یا امین نمودن مشتری اقدام نموده و صرفاً به دریافت اصل پول پرداختی به اضافه ی حداقل سود مورد انتظار بانک در معاملات سلف اکتفا می‌نمایند. همچنین شعبی که مشتری را به عنوان وکیل یا امین انتخاب نموده‌اند، بر کار فروش کالا هیچ‌گونه نظارتی به عمل نمی‌آورند و مشتری، وجه حاصل از فروش را به تمام و کمال به بانک پرداخت نمی‌نماید و صرفاً به پرداخت اصل پول دریافتی از بانک به اضافه ی حداقل سود مورد انتظار بانک اکتفا می‌نمایند و این امر، معاملات سلف را به معاملات ربوی نزدیک می‌کند (همان، ۷۴).

جعاله: به مقتضای نخستین عقد جعاله، بانک در نقش عامل، انجام عملی را در مقابل اجرت معین، متعهد می‌شود و پس از انجام آن، اجرت را به صورت اقساط از مشتری دریافت می‌کند. بانک‌ها در عمل برای این که از طرفی درگیر فعالیت‌های حقیقی (غیر پولی) نباشند و از طرف دیگر، سود ثابت و معینی را به دست آورند، موضوع قرارداد جعاله را در عقد جعاله ی ثانوی به پیمانکاری می‌سپارند؛ برای مثال، بانک، تعمیر مسکن مشخصی را در مقابل یک میلیون تومان که به صورت اقساط، طی پنج سال پرداخت می‌شود، متعهد شده، در قرارداد دوم، انجام آن عمل را در مقابل هشتصد هزار تومان به دیگری واگذار می‌کند؛ در نتیجه، همانند عقود با بازده ثابت، سود بانک از اول قرارداد، قطعی و معین است؛ البته در موارد بسیاری بانک‌ها به این مقدار هم راضی نشده، همانند بانک‌های سنتی، پولی داده، پولی همراه با مازاد می‌گیرند (همان، ۷۵).

گروه چهارم، عقد قرض الحسنه که ماهیت خیرخواهانه داشته، بانک در برابر کاری که انجام می‌دهد، کارمزد می‌گیرد و سودی بابت خود پول قرض داده شده دریافت نمی‌کند. گروه پنجم، سرمایه‌گذاری مستقیم است. در این روش، بانک بخشی از منابع را به طور مستقیم، سرمایه‌گذاری، و به فعالیت اقتصادی اقدام می‌کند. سود بانک در این روش، همانند عقود مشارکتی به سود واقعی فعالیت، بستگی دارد.

از میان این عقود که به پنج گروه تقسیم شدند، فقط عقود مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و قرض الحسنه با اهداف بانکداری اسلامی و اقتصاد اسلامی تناسب کامل داشته، با حکمت تحریم ربا منطبق و از حقیقت ربا و بهره در بازار سرمایه دور است اما در آیین نامه‌های اجرایی در ایران متأسفانه عقود مشارکتی ماهیت ربوی به خود گرفته است و عقودی چون فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک، گرچه در بازار کالاها و خدمات، جایگاه منطقی و قابل دفاعی دارند، در بازار پول و سرمایه در عمل، دارای ماهیتی شبیه وام و اعتبار ربوی هستند (همان، ۷۰).

۱-۳. وابستگی به نرخ‌های بهره بین‌المللی

بانک‌های اسلامی فروش را به‌صورت جایگزین روش‌های تأمین مالی سنتی مبنای کار خود قرار داده‌اند و از آنجایی که بر فروش نسبی (به‌ویژه فروش مرابحه)، بدهی مترتب می‌شود؛ پس دارایی‌های بانک‌های اسلامی از جهت حسابداری شبیه دارایی‌های بانک‌های سنتی است و چون وظیفه بانک‌ها تأمین سرمایه و جذب سپرده است، و بهای کالاها در فروش نسبی از دو بخش تشکیل می‌شود: بخش اول هزینه خرید (بر عهده بانک) و بخش دوم مبلغ اضافی در برابر مدت که سود مرابحه نامیده می‌شود و درصدی است که سالانه براساس طول مدت بازپرداخت، افزایش و با کوتاه بودن مدت، کاهش می‌یابد و از این جهت شباهتی به نرخ بهره دارد؛ چون درصدی سالانه است و بر اساس مبلغ بدهی محاسبه و بر عهده مشتری برای مدت معینی تعلق می‌گیرد. با این‌که بین این سود و بهره تفاوت عمیقی وجود دارد بدین معنا که بهره، زیادی شرط شده در قرض است، در حالی که سود مرابحه بخشی از قیمت فروش نسبی است، با وجود این تفاوت، این سود با نرخ‌های بهره بین‌المللی هماهنگی دارد.

پاره‌ای از عواملی که باعث پیروی نرخ سود از نرخ‌های بهره می‌شود فعالیت بانک‌های اسلامی در فضای رقابت با بانک‌های سنتی است، چه بانک‌های اسلامی به‌طور کلی، خدمات خود را در محدوده ملی ارائه کنند و چه در سطح بین‌المللی، رقیب جایگزین آن‌ها در تأمین مالی، وام با بهره است؛ از این روی این‌گونه بانک‌ها ناگزیرند در تعیین نرخ سود خود که به بیان ساده، بهای خدمات آن‌ها به شمار می‌رود، این واقعیت را در نظر بگیرند (القری بن عید، ۱۶۸، ۱۳۸۴).

از طرفی فعالیت بانکی نیاز به معیاری دارد که فرصت‌های گوناگون سرمایه‌گذاری براساس آن مورد مقایسه قرار گیرد. بانک‌های اسلامی معیار مستقلی ندارند که دارای کارکردها و مجوزهای غیرربوبی باشد؛ بدین جهت، نرخ‌های بهره بین‌المللی را مبنا قرار می‌دهند و نرخ سود خود را با آن هماهنگ می‌کنند تا مطمئن شوند در مسیر جهت‌گیری عمومی حاکم بر بازارها حرکت می‌کنند. (القری بن عید، ۱۶۹، ۱۳۸۴). بنابراین:

الف. جهت حل مشکل نیازمند به عقود مشارکتی براساس قوانین صریح شرع اسلام هستیم که نحوه اجرای این عقود در ایران جای بحث دارد.

ب. بانک‌ها به شاخص و معیار نیاز دارند؛ از این روی تعیین شاخص‌هایی برای سنجش که با طبیعت کار و فعالیت بانکداری اسلامی سازگار باشد، مفید خواهد بود؛ مانند تعیین شاخص سودهای بانکی، یعنی میانگین سودی که بانک‌ها از عملیات خود تحقق می‌بخشند؛ به گونه‌ای که معنای آن هماهنگ‌سازی سطح سود در عملیات تأمین مالی با آن میانگین باشد و این یگانه‌گزین بانک است و تعیین چنین شاخصی به تشابه بازارهای مالی اسلامی می‌انجامد؛ زیرا معیاری می‌دهد که مقایسه ریسک در تأمین مالی را ممکن می‌سازد و این شبیه همان کاری است که نرخ بهره بین‌المللی در بازارهای مالی بین‌المللی انجام می‌دهد (همان، ۱۷۲).

۱-۴. مشکل نپذیرفتن تصور زیان در حساب‌های سرمایه‌گذاری از سوی مردم

بانک‌های اسلامی، در آغاز فعالیت خود کوشیده‌اند خود را جایگزین بانک‌های سنتی به مردم معرفی کنند و تأکید داشته‌اند که انواع خدماتی همانند خدمات آن بانک‌ها را ارائه می‌کنند؛ (همان، ۱۷۲). ولی در ذهن مردم با تصور «درآمد ثابت» سازگار شده که مبنای کار بانکداری سنتی است. گرچه بانک اسلامی می‌تواند مقدار سودی را که تحقق خواهد یافت در بیشتر موارد پیش‌بینی دقیق کند؛ ولی نمی‌تواند به آن قطع و یقین داشته باشد؛ زیرا سود (برخلاف بهره) تضمین شده نیست و جز در پایان مدت تحقق آن معلوم نمی‌شود؛ به‌ویژه در خصوص بانک‌های اسلامی که در مورد دارایی‌های خود بر بدهی بسنده نمی‌کنند؛ بلکه به انواع مشارکت و مضاربه و سرمایه‌گذاری مستقیم در مستغلات و غیر آن می‌پردازند و فرض این است که این مسأله برای مردم روشن است؛ زیرا هنگامی که اموال خود را در حساب‌های سرمایه‌گذاری قرار می‌دهند، به منظور دست‌یافتن به سود این کار را می‌کنند؛ در نتیجه اگر زیان رخ دهد، خواهند پذیرفت؛ زیرا سود در برابر زیان است؛ ولی تجربه بانک‌های اسلامی خلاف این معنا را نشان می‌دهد (همان، ۱۷۳). این مشکل دارای آثار منفی متعددی بر کار بانک‌های اسلامی، از جمله بی‌ثباتی است؛ زیرا نپذیرفتن تصور زیان بدین معنا است که آنان اگر بدانند یا گمان کنند این پدیده در سرمایه آنان رخ خواهد داد، به برداشت سپرده‌های خود اقدام خواهند کرد (همان، ۱۷۴).

در نتیجه بانک های اسلامی به خلق صندوق های سرمایه گذاری تخصصی مانند صندوق سرمایه گذاری مستغلات، صندوق اجاره، سرمایه گذاری در سهام پرداختند. مزایای این روش: الف. مشتری بانک، هنگامی که سرمایه خود را در این صندوق ها می گذارد، به طور کامل از هدف سرمایه گذاری آگاه است و از این رو در ذهن خود به ریسک و احتمال سود و زیان توجه کافی دارد. ب. روشن است که بخش های اقتصادی در کارکردها متفاوتند. بعضی از آنها با رونق هستند و سرمایه گذاری در آنها سود بالایی دارد؛ در حالی که بخش های دیگری سود کمتری را نشان می دهند و گاهی زیان هایی پدیدار می شوند. هم چنان که این روش، بانک را تشویق می کند سرمایه گذاری های خود را به گونه ای توزیع کند که تفاوت ریسک و تنوع منابع سود را تحقق بخشد. آنچه این جا اهمیت دارد، آثار روانی بر مشتریان در صورت تحقق زیان است؛ زیرا آنان (در صورت به کارگیری این طرح پیشنهادی) متوجه خواهند شد که زیان به همه سرمایه های به کار گرفته شده تعلق نمی گیرد؛ بلکه به صندوقی که سرمایه خود را به فعالیت زیان دیده تخصیص داده است، منحصر می شود. این امر در دل اکثر سرمایه گذاران آرامشی را ایجاد می کند و در نتیجه برای بیرون کشیدن سرمایه های خود از بانک ها هجوم نمی آورند.

۱-۵. دشواری های تشکیل صندوق های سرمایه گذاری

مدیریت بانکی توأم با احتیاط اقتضا می کند که دارایی های بانک به گونه ای تخصیص یابد که در برگیرنده درجاتی از ریسک و نقدینگی باشد؛ زیرا طبیعت کار بانکداری مستلزم این است که بانک همواره بتواند در برابر مشتریان خود به تعهدهای خود عمل کند. این کار با تکیه بانک بر انواع سرمایه گذاری با قدرت نقدینگی بالا و دوری از انواع سرمایه گذاری که نقدشوندگی آنها دشوار است، تحقق می یابد؛ هم چنان که احتیاط ایجاب می کند بانک بر دوری گزیدن از ریسک سرمایه گذاری و اکتفا به حداقل آن تأکید ورزد؛ ولی نقدینگی بالا و ریسک اندک جز با کمترین درآمد تحقق نمی یابد؛ در حالی که بانک می کوشد بالاترین میانگین سود ممکن را برای صاحبان دارایی ها و سپرده گذاران فراهم سازد. از این جا است که اداره بانک کاری بسیار دقیق و نیازمند بالاترین درجات احتیاط است؛ به گونه ای که همواره بین این دو هدف متناقض توازن برقرار کند (همان، ۱۷۶).

کار بانکداری سنتی تکامل یافته و برای این مشکل راه حلی پدید آورده اند و آن فروش دین است. برای آن بازارهایی ایجاد کرده و واسطه گرانی ظهور یافته اند و در نتیجه خزانه بانک های سنتی دارای نقدینگی بالا هستند؛ زیرا بدهی موجود در آنها، حتی بدهی های طولانی مدت آنها، در هر زمان قابل فروش است؛ بنابراین، بانکی که ساختار معینی را برای صندوق سرمایه گذاری ایجاد کرده

و درجات ریسک و نقدینگی را تنظیم کرده، به گونه‌ای که با کمترین سطح ریسک بیشترین درآمد را برای آن ممکن ساخته است. کند (همان، ۱۷۷).

بانک های اسلامی مانند سایر بانک ها باید نیازهای نقدینگی خود را برآورده سازند. اما آن ها در این خصوص به دلایل زیر همواره با مشکلات بی شماری روبرو بوده اند. اهم این دلایل عبارتند از:

- الف. ارایه تسهیلات و سرمایه گذاری های با سررسید نسبتا بلندمدت
- ب. جذب منابع به صورت سپرده های کوتاه و میان مدت
- ج. نبود بازار ثانویه فعال (با قدرت نقل و انتقال بالا) برای وام ها و تسهیلات اعطایی
- د. پایین بودن قدرت نقدشوندگی دارایی های مالی اسلامی (به دلیل پاره ای از مسائل فقهی و اجرایی)

ه. ممنوعیت سرمایه گذاری در ابزارهای مبتنی بر بهره

و. عدم قابلیت پول به عنوان یک کالا (منظور و همکاران، ۱۳۸۷، ۳۹۷).

از طرفی بانک های اسلامی از مراحجه به صورت روش تأمین مالی اساسی خود استفاده کرده اند، دیده اند که همه دارایی های آن ها به شکل بدهی در آمده است. در این باره فرقی نمی کند که عملیات مراحجه از سوی بانک به طور مستقیم تأمین مالی شود یا با واسطه صندوق های سرمایه گذاری برای مراحجه تخصیص یافته باشد. این بانک ها با وضعی مواجه می شوند که در آن، اهرمی برای تخصیص جدید محتوای صندوق سرمایه گذاری ندارند؛ زیرا فروش دین جایز نیست (القری بن عید، ۱۷۷، ۱۳۸۴).

طرح های پیشنهادی برای حل این مشکل به صورت زیر ارائه شد:

الف. طرح صندوق های سرمایه گذاری به گونه ای که صندوق باز باشد، نه بسته؛ ورود و خروج از این صندوق ها در نهایت فروش دین خواهد بود؛ اما اگر این صندوق ها باز باشند، خروج از آن ها به معنای بازپس گیری سرمایه سپرده گذار است و ورود به آن یعنی توسعه دادن به صندوق تا سرمایه های جدید را شامل شود.

ب. تأکید دائم بر محدود کردن بدهی ها در صندوق های سرمایه گذاری به کمتر از نصف، به طوری که بقیه آن دارایی های حقیقی مانند ابزارها، مستغلات و تجهیزات باشد. ، غالب سرمایه ها در این صندوق ها دارایی های حقیقی است، نه بدهی، و در صورت فروش، فروشی است که بیشتر آن، تجهیزات و ابزارآلات است، نه فروش بدهی (همان، ۱۷۸).

۱-۶. مشکل خطر اخلاقی

فعالیت اقتصادی در همه جوامع براساس تعاون بین افراد و بنگاه‌ها در روابط تولیدی یا مصرفی یا مبادله‌ای استوار است. در هر مرحله، دو طرف قرارداد ترسیم می‌شوند که هر کدام اطلاعاتی دارند که در قرارداد بر آن اتکا می‌کنند. این‌جا خطر اخلاقی پدیدار می‌شود که اطلاعات نا متقارنی از یکی از طرفین و یا هر دو ارائه شود (همان، ۱۸۰). از جمله خطر های اخلاقی که در نتیجه این اطلاعات نا متقارن پدید می‌آید و نیز بسیار رایج می‌باشند:

۱. ارائه ی پیش فاکتور جعلی: در عقود مضاربه، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک برای دریافت تسهیلات بانکی، جعلی بودن پیش فاکتور سبب می‌شود تا مشروعیت کل فرایند، مورد سؤال قرار گیرد.
۲. عدم استفاده از وجوه دریافتی در مورد قرارداد: عمل، برخلاف مقتضای عقد، و نتیجه ی قهری آن، پیش فاکتور جعلی و تخلفات دیگر است.
۳. ارائه ی سفته صوری در خرید دین: در حالی که خرید دین محقق نشده است و مشروعیت ندارد، بانک‌ها بدون بررسی و اطمینان کامل از واقعی بودن اسناد ارائه شده و دین مندرج در آن‌ها، به انجام عقد خرید دین اقدام کرده‌اند (اقتراح، ۲۰، ۱۳۸۱).

این مشکلات در نتیجه عدم نظارت و کنترل صحیح می‌باشد که نیازه قوانین اجرایی خاصی دارد راه درمان مشکل ریسک اخلاقی، ایجاد انگیزه‌هایی است که دو طرف قرارداد (به‌ویژه طرفی را که پابندی آن مورد تردید است) به رفتاری مطابق با واقع وادارد. از جمله اقدام‌ها موارد ذیل است: الف. وضع قوانینی که طرف‌های قراردادهای شرعی را مورد حمایت قرار دهد و برای کسانی که خیانت آنان ثابت شود، کیفر بازدارنده قرار دهند؛ زیرا آنان خطری به‌شمار می‌روند که سنگ بنای اخلاقی جامعه اسلامی را تهدید می‌کند.

ب. دادن امتیاز در بستن قرارداد به بنگاه‌هایی که بر ثبت حساب‌ها و دفاتر خود با نظارت ناظران خوشنام تأکید دارند؛ زیرا فراهم‌شدن اطلاعات درست و دقیق، از ریسک اخلاقی می‌کاهد.

ج. تأکید بر وضع مجازات‌های مناسب هنگام عقد قراردادهایی که دارای ریسک اخلاقی بالاتری است تا طرف قرارداد را یا به دلیل اخلاق عالی یا به‌سبب ترس از مجازات، به تعهد و التزام به رفتار مفروض و موردنظر وادارد.

د. تشویق طرف دیگر عقد (به‌طور مثال عامل در عقد مضاربه) بر پابندی به امانتداری، با تصریح بر این‌که هر قدر سود شرکت بیشتر از درصد برآورد ناشی از پیش‌بینی سود باشد، صاحب سرمایه از سهم خود در مازاد تنازل می‌کند.

ه. توزیع سود با استفاده از روشی که برای طرف دیگر انگیزه کوشش بیشتر را پدید آورد.

و. اقدام به ایجاد پایگاه اطلاعاتی که در آن، همه گونه اطلاعات درباره مشتریان و عواملان بانکها و صاحبکارانی که در مظان طرف قرارداد شدن بانکها هستند، جمع‌آوری شده باشد، و آنها را براساس تاریخ همکاری با بانک دسته‌بندی کرده باشد؛ به طوری که هر بانکی بتواند از تجارب بانکهای دیگر در این باره استفاده کند و بدین گونه هر خیانتکاری قبل از انجام خیانت منصرف می‌شود؛ زیرا می‌داند که هزینه سنگینی برای این کار خواهد پرداخت (القری بن عید، ۱۳۸۴، ۱۸۳).

هم چنان که در بالا نیز اشاره شد عدم نظارت صحیح، خطر اخلاقی را افزایش می‌دهد. به منظور نظارت صحیح، محققین و نظریه پردازان اقتصاد پول و بانکداری تقسیم کار براساس تخصص را ضرورت اول اجرای صحیح بانکداری اسلامی می‌دانند و در یک لحاظ کلی، فعالیت های مهم بانک های تجاری را در سه مسوولیت: «تجهیز منابع»، «ارائه خدمات بانکی» و «تخصیص منابع و اعطای تسهیلات» طبقه بندی می‌کنند. مسئولیت اول و دوم عمدتاً ماهیت دادوستد پولی دارد و نیازمند تخصص در فعالیت های حقیقی اقتصادی نیست، در حالی که انجام صحیح مسئولیت سوم در بانکداری اسلامی علاوه بر آشنایی به قوانین و مقررات عقود بانکی نیازمند تخصص کافی در عرصه‌های واقعی اقتصاد است تا بتوانند مسئله ارزیابی، نظارت و کنترل را در طرح های مختلف اقتصادی طرف قرارداد بانک به نحو کامل ایفا کند تا از بروز هر گونه خطر های اخلاقی تا حد امکان جلوگیری کند. ولی جای این سوال باقی می ماند که تا چه حد بانک ها در اجرای این مسئولیت دقت به خرج می دهند.

۱-۷ آموزش، تحقیق و توسعه

آموزش، تحقیق و توسعه برای گسترش و تعمیق کلیه حوزه های علوم ضروری است. بانکداری اسلامی هم جزو رشته های جدید محسوب می شود که جای کار بسیار دارد. مشکل هنگامی بروز می کند که آشکار می شود مدیران و کارکنان بانک های اسلامی چندان به مسایل شرعی واقف نیستند و عالمان دینی هم به مسایل تخصصی مالی و اقتصادی واقف نیستند و کسانی که در هر دو حوزه متخصص باشند بسیار اندک اند. بنابراین زبان مشترکی بین این دو گروه وجود ندارد و تبادل مفاهیم بسیار کند است.

نگاهی اجمالی به برنامه‌های رسانه‌های همگانی و نیز آموزش‌های رسمی عمومی کشور نشان می‌دهد که آموزش بانکداری، نه برای عموم مردم و نه برای دانش‌آموزان طراحی و اجرا نشده است. آثار نبود چنین آموزش‌هایی نیز در کارکرد بانکها و دید مردم به بانکداری کشور مشهود است. متأسفانه نهادهای مالی اسلامی نیز بخش خیلی کمی از درآمدهایشان را صرف تحقیق و توسعه می‌کنند. از این رو تعجب آور نیست که سرعت نوآوری و ابزارسازی در نظام مالی اسلامی بسیار پایین باشد. از طرفی کمبود کارکنان

آموزش دیده و خلاق مشکل دیگری است که رخ می نماید و به کندی نوآوری در ابزارها و محصولات مالی اسلامی انجامیده است (منظور و همکاران، ۱۳۸۷، ۳۹۹).

برای اصلاح ساختار سیستم بانکی کشور، باید نظام آموزشی بانکداری به صورت اصولی اصلاح شود. لازم است که از یک سو دوره های تخصصی برای طلبه های علوم دینی در زمینه مالی و اقتصاد گذاشته شود و از سوی دیگر با ایجاد مراکز و دوره های آموزشی متعدد کارکنان آشنا با مسایل مالی و مذهبی برای انجام امور مدیریتی و عملیاتی تربیت شوند.

در صورتی که عموم نسبت به شیوه جدید بانکداری بدون ربا توجه شوند و انگیزه پرهیز از رباخواری و ربا دادن در سیستم بانکی و عموم تقویت شود می توان امیدوار بود که آسیب های سیستم بانکی کاهش یابد. راهکار اساسی، این است که در اشاعه و تعمیم آموزش و در یک کلام، فرهنگ بانکداری اسلامی نه در سخن یا کمیت، بل در عمل و کیفیت به جد اقدام شود.

۸-۱. رویه های حسابداری

رویه های حسابداری که بانک های اسلامی باید به اجرا بگذارند مشکل تکنیکی دیگری است که بانک ها و دیگر نهاد های مالی اسلامی با آن روبرو هستند. بانک های اسلامی بر مبنایی متفاوت از بانک های متعارف از نظر اهداف، مفروضات و اصول ایجاد شده اند. در نظام بانکداری اسلامی، بانک از پدیده ای به طور کامل «برونزا» در مقایسه با اقتصاد حقیقی، به نهادی «درونزا» و فعال تبدیل می شود؛ در نتیجه، به سازمان و نیروی انسانی و حسابداری متناسب با آن نیاز دارد.

بانک های متعارف رویه های حسابداری یکسانی دارند. از این رو حتی در سطح جهان به راحتی می توان صورت های مالی و در نتیجه عملکرد آن ها را با هم مقایسه کرد. لیکن شباهت نداشتن صورت های مالی بانکداری اسلامی با آن ها باعث می شود که نتوان مقایسه معناداری انجام داد.

گسترش سریع و شگفت آور بانکداری و مالیه اسلامی که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، با تدوین و تعیین مقررات و قوانین حسابداری و حسابرسی کافی و مطلوب همراه نشد. سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی با هدف پر کردن این خلاء، در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد. یکی از مهم ترین و حساس ترین وظایف این سازمان، تعیین و تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی مطلوبی است که از سوی کلیه مؤسسات مالی اسلامی فعال در سرتاسر جهان قابل رعایت و اجرای آن لازم باشد. اما به نظر می رسد که این مؤسسه قدرت و پشتوانه قانونی لازم برای اجبار نهادهای مالی و بانکی اسلامی برای رعایت این استانداردها ندارد (منظور و همکاران، ۱۳۸۷، ۳۹۵).

در ایران نیز پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا، تغییر ساختاری مناسب در نظام بانکی پدید نیامده است که متناسب حسابداری بانکداری اسلامی باشد. بنابراین جهت حل این مشکل نیازمند

افرادی توانا در این زمینه هستیم که هم به بحث شرعی و حقوقی قضا یا واقف باشند و هم به بحث های مالی و حسابداری و حسابرسی.

۹-۱. جهانی سازی و رقابت جهانی

بانک های اسلامی دارای گروهی مشتریان منحصر به فرد و دائمی هستند؛ مسلمانانی که به علت تقید به رعایت احکام شرع، پول خود را فقط در بانک های اسلامی می گذارند. لیکن هر چه نوآوری و توسعه بانکداری و مالی اسلامی گسترده تر می شود، حجم بیشتری از وجوه از سمت سیستم متعارف به سمت بانک های اسلامی می آید. بنابراین خیلی از بانک های بزرگ و جهانی متعارف به جهت حفظ بازار خودشان و جذب سرمایه های مسلمانان که تقریباً یک پنجم جمعیت جهان هستند، به سمت ایجاد شاخه های اسلامی آمده اند و این بدین معناست که بازیگران جدی و قوی زیادی وارد بازار مالی اسلامی می شوند و فرصت انحصاری بانک های اسلامی را از بین خواهند برد. اینکه بانک های اسلامی نوپا بتوانند در رقابت مقابل چنین مؤسسات و بانک های قوی و قدرتمندی مقاومت کنند بسیار مشکل است. چرا که این مؤسسات و نهادها دارای تجربه ای بسیار زیاد، راهبرد قوی، شبکه بازاریابی جهانی، شهرت جهانی، کارشناسان بسیار و... هستند.

رقابت بانک های اسلامی با بانک های جهانی متعارف، بانک های اسلامی را هم در برابر چالش ها و فرصت های بزرگی قرار می دهد. از یک سو، دسترسی بانک های اسلامی به کل مناطق جهان بیشتر می شود و می توانند حجم انبوهی از سپرده های اقلیت های مسلمان در کشورهای غیر مسلمان را جذب کنند، همچنین با دسترسی به بازارهای متعدد و امکان استفاده از فرصت های سرمایه گذاری سرتاسر جهان، پرتفوی خود را گسترده تر کرده و ریسک کل را پایین آورده و بازده کل را افزایش دهند. ولی از سوی دیگر آن ها در معرض رقابت شدید و بی سابقه ای با بانک های بسیار قوی متعارف بین المللی قرار می گیرند (اقبال و همکاران^۱، ۱۹۹۸).

پاسخ به این پرسش که آیا بانک های اسلامی در این رقابت حذف می شوند یا نه بسیار مشکل است. لیکن آشکار است که بانک های اسلامی به تنهایی بسیار کم توان و کوچک هستند و لازم است که ادغام های گسترده و مشارکت های متعدد انجام دهند تا قابل رقابت با بانک های متعارف باشند. به بیان دیگر لازمه حیات، ادغام است و لازمه ادغام، پیداکردن دیدگاه مشترک (علمای مکاتب و مذاهب مختلف اسلامی گهگاه در خصوص یک موضوع دیدگاه های مختلفی دارند)، انعطاف پذیری و ارتقاء درجه همکاری بین نهادهای مالی اسلامی است. همراه راهبرد ادغام، اقدامات دیگری نیز برای مواجهه با خطرات بیرونی و درونی از جمله عملیات نهاد (ایجاد نهادهای نظارتی و قانونگذاری مناسب) باید انجام بپذیرد. جهانی سازی می تواند فرصت های بسیار خوبی برای جذب

سرمایه‌ها ایجاد کند، لیکن این به طور گسترده‌ای منوط به ایجاد زیرساخت‌های مناسب و اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های هوشمندانه است (ال آجونی، ۲۰۰۷).

۲. بانکداری اسلامی در مالزی

مالزی به عنوان کشوری که اکثریت جمعیت آن مسلمان هستند تحت تأثیر تحولات در بانکداری اسلامی در خاورمیانه قرار گرفت. بسیاری از احزاب این کشور خواستار تاسیس بانک‌های اسلامی در مالزی شدند. برای مثال در سال ۱۹۸۱ کنگره‌ی اقتصادی بومیپوترا به دولت مالزی پیشنهاد کرد اجازه‌ی تاسیس یک بانک اسلامی را در این کشور صادر کند. همچنین در همان سال کمیته‌ی ملی تحقیق تاسیس شد و هدف از آن انجام تحقیق و ارائه‌ی راهکار به دولت در زمینه‌ی تمام جنبه‌های تاسیس و کار بانک اسلامی در مالزی از جمله جنبه‌های دینی، قانونی و عملیاتی است. در این تحقیق مشخص شد که تاسیس و شروع به کار بانک اسلامی در مالزی پروژه‌ای مفید و قابل اجراست، چه از لحاظ سود چه از لحاظ عملیات. هدف بلندمدت مرکزی مالزی ایجاد نظام بانکی اسلامی است که به طور موازی با نظام بانکی معمول فعالیت کند. اما شبیه هر نظام بانکی دیگر، نظام بانکداری اسلامی برای معتبر بودن باید سه شرط را تأمین کند

۱- داشتن تعداد زیادی مشتری و شعبه

۲- عرضه‌ی گسترده‌ی وسیع از خدمات

۳- تعامل با بازار اسلامی پولی. همچنین نظام بانکداری اسلامی باید با ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی اسلامی سازگار بوده و در صورت و معنا اسلامی باشد.

با این هدف، بانک مرکزی مالزی رویکردی مرحله‌ای را به سوی تحقق هدف بالا اتخاذ کرد. نخستین مرحله از این روند تبلیغ مزایا و فواید بانکداری اسلامی برای کل جمعیت کشور و فراهم کردن زمینه‌ی دسترسی همه‌ی متقاضیان به خدمات این بانک‌ها بود. قانون بانکداری اسلامی هفتم آوریل ۱۹۸۳ به اجرا گذاشته شد. طبق این قانون بانک مرکزی مالزی این اختیار را داشت که بر عملکرد بانک‌های اسلامی نظارت کند و مقررات مربوط به آن‌ها را تنظیم کند. «قانون سرمایه‌گذاری دولت» که در سال ۱۹۸۳ تصویب و به اجرا گذاشته شد به دولت مالزی اجازه می‌داد اوراق مشارکت در سرمایه‌گذاری را طبق مبانی شریعت اسلام منتشر کند چون این اوراق دارای نقد محسوب می‌شوند و بانک‌های اسلامی می‌توانند برای تأمین نیازهای خود به نقدینگی در آن‌ها سرمایه‌گذاری کنند (محمد علی آذری نیا، ۱۳۸۵). به این ترتیب، نخستین بانک اسلامی در اول

ژوئیه ۱۹۸۳ با نام « بانک اسلامی مالزی برهاد^۱ (BIMB) » فعالیت خود را آغاز کرد. بانک مرکزی مالزی پس از بررسی همه ی جوانب، تصمیم گرفت به نهادهای بانکی موجود اجازه دهد خدمات بانکداری اسلامی را با استفاده از زیرساخت‌ها و شعبات موجود خود ارائه دهند. این راه موثرترین و کارآترین روش برای افزایش تعداد نهادهای ارائه دهنده ی خدمات مالی اسلامی با پایین ترین هزینه و کوتاه ترین زمان بود. در این راستا، در چهارم مارس ۱۹۹۳ بانک مرکزی این کشور طرحی را با عنوان «طرح بانکداری بدون ربا» به اجرا درآورد (مختار و همکاران^۲، ۲۰۰۶، ۳۷). مرحله ی دوم را می توان از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۳ در نظر گرفت که ایجاد محیطی سودمند برای رقابت میان بانک ها هدف این مرحله بود.

مرحله سوم از سال ۲۰۰۴ شروع شد که خصوصی سازی مالی بود. در طول این دوره، بانک مرکزی مسیر را برای ورود بانک های اسلامی خارجی به مالزی فراهم آورد و توانسته در جمع کشورهای آسیایی حوزه اقیانوس آرام، کسب اعتبار و وجهه کند. این توسعه روز افزون از جمع شدن بانک های عمده زیر چتر حمایتی انجمن بانک های مالزی، با نام اختصاری ABM^۳ محقق شده است (مختار و همکاران، ۲۰۰۶، ۳۹).

در پایان سال ۱۹۹۹ در مالزی دو بانک کاملاً اسلامی BIMB و بانک معاملات و ۴۶ بانک تحت برنامه بانکداری اسلامی (IBS^۴) وجود داشت. در مورد نحوه استفاده از عقود اسلامی در مالزی می توان به عملکرد بزرگترین بانک اسلامی مالزی یعنی BIMB در سال ۲۰۰۲ اشاره کرد. کل تامین مالی این بانک در سال ۲۰۰۲، ۵۰/۶۵ درصد داراییهای آن می باشد. از کل تامین مالی این بانک، ۰/۶۶ درصد مضاربه، ۳/۵۳ درصد مشارکت، ۲۴/۱۶ درصد مرابحه، ۸/۰۹ درصد قرض الحسنه، بیع بضمن آجل ۵۶/۵۶ درصد، اجاره ۱/۸۱ درصد و اجاره بتملیک ۱/۸۷ درصد می باشد. همچنین این بانک ۶/۱۳ درصد از سود خود را بعنوان زکات پرداخت می کند (صمد و همکاران^۵، ۲۰۰۵، ۷۷). بیع بضمن آجل یا بیع موجد معادل فروش اقساطی در بانکداری اسلامی ایران است. لازم بذکر است که در قانون بانکداری اسلامی ایران ۶ عقد مضاربه، مزارعه، مساقات، مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی، سرمایه گذاری مستقیم به جای دو عقد مضاربه و مشارکت دیگر بانکهای اسلامی وجود دارد. تا سال ۱۹۹۸ در بانک BIMB، ۹ عقد اسلامی وجود داشت. در حالی که در بانکداری اسلامی ایران ۱۴ عقد اسلامی وجود داشت. در ایران عقد جعاله نیز وجود دارد که

- 1- Bank Islam Malaysia Berhad
- 2- Mokhtar.H.S.A ,Abdullah.N, Al-Habashi.S.M
- 3- Association of Banks in Malaysia
4. Islamic banking scheme (IBS) banks
- 5- Samad, Abdus, Norman D. Gardner,and Bradley J. Cook

معادل هزینه کمیسیون و خدمات دیگر بانکهای اسلامی است. (هارون^۱، ۱۹۹۸، ۲۶). بطور کلی تا پایان ژوئن ۲۰۰۶ تعداد ۲۷ مؤسسه مالی در مالزی شامل بانک های اسلامی ۹ عدد، بانکهای تجاری ۸ عدد، بانک های بازرگانی ۴ عدد، مؤسسات تنزیل ۶ عدد فعال بوده‌اند و نسبت کل دارایی‌های بانکهای اسلامی به کل داراییهای مؤسسات مالی در مالزی بالغ بر ۵۳/۷ درصد بوده است (مشکین، ۱۳۸۸). در سال ۲۰۱۰ در نظام بانکداری اسلامی مالزی عقود زیادی مانند بیع العربون، بیع بضمن أجل، بیع المرابحه، بیع العینة، بیع الدین، بیع الستجرار، بیع الاستصناع، بیع المزایده، بیع السلم، بیع الوفاء، اجاره، اجاره ثم البیع، شرکه العنان، جعاله، مضاربه، مقاسه، مساقات، مساومه، مشارکت تعریف شده است.

شیوه‌های تأمین مالی در نظام بانکداری اسلامی در مالزی عبارتند از: مضاربه - مشارکت (بر اساس اصل تسهیم سود و زیان)، مرابحه، اجاره، خرید دین، اجاره به شرط تملیک، کفالت و کالت، حواله، اجرت، فروش اقساطی، قرض الحسنه (بهای خدمات) و رهن - ودیعه (اصل تابعه یا کمکی). مالزی از چند مفهوم بانکداری اسلامی در طرح بانکداری بدون ربا استفاده م یکنند که با وجود تفاوت های اسمی در عنوان با مفاهیم مورد استفاده در عقود اسلامی بانکداری بدون ربا در ایران ماهیتاً منطبق می باشد. با این حال، تفاوت هایی در نحوه بکارگیری مفاهیم در این دو نظام بانکداری اسلامی مشاهده می شود. لذا سایر مفاهیم استفاده شده در نظام بانکداری اسلامی مالزی: ودیعه با ضمانت، مضاربه، مشارکت، بیع دین و استجار) می باشد (فرجی و آشتیانی، ۱۳۸۴).

از نظر شرعی منابع وجوه در سیستم بانکداری اسلامی مالزی عمدتاً به دو دسته تقسیم می شوند:

حسابهای منطبق بر عقد ودیعه که شامل حسابهای جاری و پس انداز میباشند و حسابهای منطبق بر عقد مضاربه که موسوم به حسابهای سرمایه گذاری می باشند. نکته قابل توجه در بررسی منابع و مصارف طرح بانکداری اسلامی مالزی این است که بانک در استفاده از منابع مالی جهت اعطاء تسهیلات متنوع به متقاضیان دارای اختیار بیشتری است. بانک می تواند به صلاح دید خود کلیه وجوه حاصل از عقود ودیعه (جاری و پس انداز) را مورد استفاده قرار دهد و تنها ملزم به تطابق تأمین مالی با اصول شریعت می باشد. همچنین، عقد مضاربه در حسابهای سرمایه گذاری معنای وسیع تری دارد و به مصارف بازرگانی و محدودیت زمانی منحصر نمی شود. بر این اساس، انواع حسابهای بانکداری اسلامی از نظر شکلی شامل موارد زیر هستند:

1- Harron, Sudin, 1998.

حساب جاری، حساب‌های پس‌انداز، حساب‌های سرمایه‌گذاری عام، روش‌های سرمایه‌گذاری و اعطاء تسهیلات در طرح بانکداری اسلامی مالزی به شرح ذیل می‌باشد: خرید اوراق سرمایه‌گذاری دولتی، سرمایه‌گذاری در سهام، تأمین مالی پروژه‌ها، تملک دارایی و تأمین مالی امور بازرگانی. ابزارهای قابل انتقال سپرده‌ها امکان استفاده بانک‌های تجاری و شرکت‌های مالی واجد شرایط را از پس‌اندازهای داخلی عموم مردم فراهم می‌سازد. ابزارهای فوق شامل دو دسته گواهی بدهی قابل انتقال اسلامی و ابزارهای قابل انتقال اسلامی سپرده‌ها می‌باشند. گواهی بدهی قابل انتقال اسلامی بر اساس مفهوم "بیع ثمن اجل" اسلامی و ابزارهای قابل انتقال اسلامی سپرده‌ها بر اساس مفهوم اسلامی "مضاربه" ایجاد شده‌اند. هر دوی این ابزارها توسط شورای مشورتی شریعت و بانک مرکزی مالزی مورد تأیید و حمایت قرار گرفته‌اند (همان).

لازم به ذکر است که سهم بانکداری اسلامی از کل نظام بانکی از ۱۴ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۱۹/۵ درصد، در پایان نیمه اول سال ۲۰۱۲ رسیده است. مالزی در این میان دستیابی به سهم ۲۰ درصد را برای نظام بانکداری اسلامی هدف‌گذاری کرده است. عملکرد مربوط به سپرده‌ها و تأمین مالی اسلامی (تسهیلات اعطایی) در نظام بانکداری مالزی، بیانگر این است که طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، از رشد مثبتی برخوردار بوده است. به طوری که میزان تسهیلات اعطایی مالزی در قالب عقود اسلامی و سپرده‌ها به ترتیب از ۲۵ میلیارد و ۴۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ به ۶۳ میلیارد و ۹۴ میلیارد دلار در پایان نیمه اول سال ۲۰۱۲ رسیده است. در این میان تسهیلات اعطایی و سپرده‌های نظام بانکداری اسلامی حدود ۲۱ درصد از کل نظام بانکی مالزی را تشکیل می‌دهند. البته باید متذکر شد که عملکرد بانکهای تحت برنامه بانکداری اسلامی همانند دویبانک BMB و بانک معاملات، زیاد رضایت‌بخش نیست، هرچند که قوانین و مقررات بانکداری بر پایه تعلیمات اسلامی می‌باشد (روسی و ابوبکر^۱، ۲۰۰۳). برخی از مردم در مالزی معتقدند که بانکداری اسلامی در مالزی، صرفاً تغییر در نام است. برای مثال به جای نرخ بهره، نرخ سود استفاده می‌شود. اشتیاق بانکهای اسلامی در مالزی برای شرکت در صنعت بانکداری موجب شده که آنها برای جذب مشتری و رقابت با بانکهای متداول از محصولات مرسوم بانکداری مرسوم استفاده کنند و معاملاتشان شبیه معاملات بر پایه بهره می‌باشد. همچنین برخی معتقدند که بانکهای اسلامی در مالزی کارمزدهای بیشتری نسبت به بانکهای متداول دریافت می‌کنند. دلیل کارمزدهای بیشتر این بانکها، پرداخت اجباری زکات توسط بانکهای اسلامی می‌باشد که باعث افزایش هزینه‌های بانکهای اسلامی نسبت به دیگر بانکها می‌شود. باید این امر را در نظر داشت که بانکداری اسلامی در مالزی

1-Rosly, Saiful Azhar and Abu Bakar, Mohd Afandi, 2003.

در مرحله نوزادی قرار دارد و برای رسیدن به بانکداری کاملاً اسلامی نیاز به حمایت همه‌جانبه مردم و مسوولین دارد (یوسف و فهیمی^۱، ۲۰۱۰)

آنچه در بانکداری اسلامی مد نظر است، کارآمدی بانکداری بدون ربا می‌باشد. طبق مطالعه‌ای که برای کشور مالزی در دوره ۲۰۰۳-۱۹۹۷ صورت گرفته است، نتایج حاکی از این مطلب هستند که میانگین کارایی در کل صنعت بانکداری اسلامی مالزی در طول دوره مورد مطالعه افزایش یافته است در حالیکه روند کارایی برای بانک‌های معمولی در طول دوره‌ی مورد بررسی ثابت بوده است. کل دارایی‌ها در پایان آوریل ۲۰۱۰ چیزی در حدود ۲۲۹۲۶۱/۱ رینگیت میلیون بوده و کل سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها به ترتیب چیزی بالغ بر ۱۸۵۷۸۵ رینگیت میلیون و ۱۳۴/۱ رینگیت میلیون بوده است. دارایی‌های بانکداری اسلامی، سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها مقبولیت عمومی این سیستم را منعکس می‌کند (احمد و هارون^۲، ۲۰۰۲). مردم مالزی نیز طی سالهای اخیر از حرکت انجام شده توسط بانکهای این کشور به شدت استقبال کرده‌اند و بر این عقیده‌اند که با وجود بانکداری اسلامی استفاده از محصولات بانکهای دیگر خلاف شرع می‌باشد (نوروزی، ۱۳۸۶). علت افزایش استقبال از بانکهای اسلامی بیشتر به خاطر شهرت اسلامی و مالی این بانکها بوده و عوامل دیگری نظیر خدمات با کیفیت، جوابگوئی مناسب اجتماعی، تسهیلات و قیمت محصولات نیز بر افزایش استقبال از بانکهای اسلامی مالزی تاثیر دارد (دوسوکی و عبدالله^۳، ۲۰۰۷، ۱۴۲).

۳. مقایسه بانکداری اسلامی ایران با بانکداری اسلامی مالزی

طبق مقایسه صورت گرفته بین بانکداری اسلامی در ایران و مالزی، تحریم ربا نزد مسلمانان از مسلمات است و هیچ تردیدی در آن وجود ندارد. آیات شریفه قرآن و روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام بر این مساله دلالت دارد و جای هیچگونه شک و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد. لذا مسئله اصلی اجرای واقعی و نه اسمی بانکداری بدون ربا می‌باشد. دومین سنگ بنا در بانکداری بدون ربا، عقود اسلامی است و از میان این عقود آنچه که بیشتر از همه در مالزی مورد تاکید قرار گرفته، عقود بدیع و جدیدی مانند توارق، بیع‌العینه، صکوک اسلامی و استفاده از ودیعه و مضاربه می‌باشد. البته لازم بذکر است که برخی از این عقود از لحاظ فقه شیعه مجاز نیستند. برای مثال بیع‌العینه که بیع نسبه بهمراه شرط بیع نقد می‌باشد، از نظر فقه شیعه، مبادله پول با پول بعلاوه دریافت مازاد می‌باشد که در راقع شکل جدیدی از ربای معاوضی می‌باشد.

1-Yusof, Eddy and Fahmy, Ezry,2010,

2-Ahmad.N & Haron.S

3-Dusuki, Asyraf Wajdi and Abdullah ,Nurdianawati Irwani,2007.

همچنین در مقایسه بین بانکداری اسلامی ایران و مالزی، باید متذکر شد که مالزی سیستم دوگانه‌ای از بانکداری بدون ربا و بانکداری معمولی را به مرحله اجرا گذاشت، در حالی که جمهوری اسلامی ایران، مسیر تغییر را یکباره در عمل اجرا نمود. سیستم دوگانه فوق در جهت افزایش کارایی بانکهای اسلامی در رقابت با بانکهای ربوی مفید فایده بوده است، همچنانکه افتتاح بانکهای خصوصی در ایران در جهت افزایش کارایی بانکهای دولتی تاثیر مثبتی داشته است.

در سال ۱۹۹۶ بانک ملی مالزی با هدف انتشار جزئیات عملیات بانکداری اسلامی (ترازنامه، حساب سود و زیان) صورت مالی را به عنوان الگو برای نهادهای بانکی ارائه دهنده خدمات بانکداری اسلامی منتشر کرد. لذا از آنجا که به نظر می‌رسد هیچ تعریف یا تفسیر روشنی از ربا و انواعش در حوزه فعالیت های بانکی در قانون عملیات بانکی بدون ربا و ملحقات آن در بانکداری اسلامی ایران ارائه نشده است (که این امر میتواند بستری برای انحراف از مسیر مورد نظر به ویژه در مورد مصادیق مشتبه فر اهم سازد). بنابراین به نظر می‌رسد قوانین باید به صورتی روشن و شفاف وضعیت موضوعات کلیدی و اصلی در بانکداری بدون ربا از جمله تعریف و تبیین ربا در حیطة فعالیت‌های بانکی و چگونگی توزیع سود و زیان را مشخص نماید (تقی‌زاده، ۱۳۹۱).

بانک مرکزی مالزی همچنین با هدف افزایش دقت و یکپارچه کردن تفسیرها از قوانین شریعت بین بانک ها و نهادهای مالی، شورای ملی مشورتی بانکداری اسلامی را در سال ۱۹۹۷ تأسیس کرد. این نهاد بالاترین نهاد برای نظارت شورای ملی مشورتی بانکداری اسلامی در مالزی است. با توجه به اهمیت نظارت در نظام بانکداری اسلامی (بدون ربا) با در نظر گرفتن تجربه سایر کشور مالزی، یک کمیته شرعی مستقل و دارای قدرت اجرایی متشکل از فقیهان آشنا به مسائل بانکی و اقتصاددانان معتقد به اجرای بانکداری اسلامی) بدون ربا (قابل بررسی است، بطوری که این کمیته قادر باشد علاوه بر نظارت بر دستورالعمل ها و تصمیمات متخذه به منظور اطمینان از انطباق آنها با قوانین شرع بر اجرای بانکداری اسلامی) بدون ربا (نظارت کند و با سنجش نظام بانکی، رهنمودها و راهکارهایی برای بهبود و اصلاح پیشنهاد نماید) همان).

اگرچه در کشور ایران و مالزی اصول شرعی متفاوتی را در مؤسسات بانکداری خود اجرا می‌نمایند، اما هدف هر دو کشور حذف ربا از فعالیت های بانکی است. اصول شرعی قابل اجرا در بانکداری کشور ایران و مالزی به شرح جدول (۱) می‌باشد (فرجی و آشتیانی،

(۱۳۸۴)

جدول (۱) اصول شرعی قابل اجرا و ابزار تامین مالی در ایران و مالزی

اصول شریعت	مالزی	ایران
مشارکت در سود و زیان	مضاربه، مشارکت	مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی سرمایه گذاری مستقیم، مضاربه مزارعه، مساقات
مبادلاتی که موجب دریافت هزینه و کارمزد می‌شوند.	مضاربه، فروش اقساطی، خرید دین، اجاره به شرط تملیک، وکالت، کفالت، حواله، الاجر	سلف، فروش اقساطی، جعاله، اجاره به شرط تملیک
قرض الحسنه	قرض الحسنه	قرض الحسنه
اصول تبعی	رهن، ودیعه با ضمانت	-

منبع: فرجی و آشتیانی (۱۳۸۴).

۴. پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی درباره بانکداری اسلامی در ایران و مالزی انجام شده است که به تعدادی اشاره می‌گردد:

نجفی علمی (۱۳۷۵) در رساله دکتری خود ضمن تعریف ربا، مفاهیم و مصادیق ربا و ابواع ربا و علل حرمت ربا مذکور در قرآن کریم و فرمایشات پیامبر گرامی و امامان معصوم و بیان مبانی نظری که می‌تواند این حرمت را توجیه کند و قابل تسری به اشکال مختلف عملیات ربوی می‌باشد، خلاصه‌ای در مورد قرض الحسنه و اهمیت آن و قراردادهای آن از نظر اسلام و همچنین اجمالی بر مبحث پول در اسلام ارائه کرده است. سپس بانکداری ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و پس از اجرای سیاست‌های پولی در ایران و آثار آن و همچنین چگونگی جذب سپرده و اعطای تسهیلات پس از اجرای قانون به تفکیک انواع عقود مورد عمل و نظرات مسؤولین و علمای اسلامی و محققین راجع به عقود و اجرای آن به تفصیل ارائه شده است. همچنین اجرای عملیات بانکی بدون بهره در پاکستان و مالزی و طی یک دوره در جهان نیز مورد بررسی و نکات مثبت و ضعف آن و مقایسه آن با چگونگی اجرای سیستم بانکی ایران مطرح و مشخص گردیده است. به صورت تعدد و وسعت نکات مثبت و ضعف نشان می‌دهد که سیستم بانکی ایران باید بطور ریشه‌ای دگرگون شود. در برخی نقاط جهان سیستم اجرائی بانکداری بسیار نزدیک‌تر به فلسفه و مقتضای عقود اسلامی و نظارت اسلام بوده بدون اینکه مشکلاتی برای این سیستم‌ها ایجاد گردد. حتی نمونه مالزی که عقود اسلامی را در مقتضای واقعی و مطروحه آن در اسلام بکار برده است بعنوان الگوی عملی کشورهای دیگر اسلامی نظیر اندونزی مطرح و مورد استفاده قرار گرفته است. در نهایت، راه کارهایی که برای اجرای عملیات بانکی اسلامی و یا بدون ربا می‌تواند مطرح شود ارائه و با توجه به مجموعه مباحث الگویی که نظام عملی نیز در جهان دارد برای جایگزینی سیستم فعلی ایران ارائه شده است. جنبه‌های مختلف این الگو در سیاست‌های پولی، توسعه اقتصادی، بوروکراسی اداری بانکی، چگونگی اجرا، نظام بانکداری مرکزی، بازارهای

پولی مشروحاً بررسی شده است که مجموع این بررسی‌ها نشان می‌دهد که الگوی پیشنهادی امکان‌پذیر است و حتی می‌تواند از دامنه و وسعت نوسانات رکودی و تورمی در اقتصاد جلوگیری کند، بطور عادلانه‌ای سود عملیات را بین سپرده‌گذار و سرمایه‌گذار توزیع کند، سرمایه‌گذاری را تشویق و سود ارزش افزوده ناشی از تولید تقسیم شود، بوروکراسی اداری تعدد عقود را کاهش دهد و از نقش تکاثری و تخریبی بانکها جلوگیری کند.

تقی‌زاده (۱۳۹۱) به بررسی بانکداری اسلامی در برخی کشورهای جهان می‌پردازد. در مقاله وی اشاره شده است که قانون بانکداری اسلامی در ایران در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید و براساس آن بانکها ملزم شدند در مدت سه سال تمام عملیات بانکی خود را در قالب بانکداری بدون ربا انجام دهند. در کشور پاکستان برای رشد بانکداری اسلامی سه استراتژی یعنی تأسیس بانک‌های کاملاً اسلامی نوپا یا مشارکت بخش خصوصی، ایجاد بانکهای تجاری به عنوان مکمل بانک های اسلامی، ایجاد یک باجه مخصوص عملیات بانکداری اسلامی در تمام شعب بانکهای تجاری را در دستور کار قرار گرفت. در کشور مالزی نیز در سال ۱۹۹۳ طرحی تحت عنوان طرح بانکداری بدون ربا به اجرا درآمد و در سال ۱۹۹۶ بانک ملی مالزی با هدف انتشار جزئیات عملیات بانکداری اسلامی (ترازنامه، حساب سود و زیان) صورت مالی را به عنوان الگو برای نهادهای بانکی ارائه دهنده خدمات بانکداری اسلامی منتشر کرد. همچنین، شورای ملی مشورتی بانکداری اسلامی مالزی در سال ۱۹۹۷ تأسیس شد. در نهایت از نظام بانکی کشور مالزی سیستم بانکداری دوگانه یا دو سویه می‌توان نام برد. کشور انگلیس نخستین کشور غربی است که به تأسیس بانکداری خرد براساس قوانین اسلام اقدام نمود. بر این اساس، بانک در سال ۲۰۰۴ تأسیس شد. کشورهای دیگر نظیر مصر، اردن، سودان، FSA اسلامی بریتانیا با تصویب عربستان سعودی، بنگلادش و ترکیه نیز دارای یک یا چند بانک اسلامی در سیستم بانکی خود هستند که در این بانک ها عملیات بانکی براساس قوانین شریعت انجام می‌گیرد و مبنی بر سه اصل تسهیم سود و زیان و اصلی مبتنی بر هزینه و دستمزد و اصل خدمات بدون بهره می‌باشد. در این مقاله چگونگی فعالیت بانکهای اسلامی در کشورهای منتخب مورد بررسی قرار گرفته است.

میسمی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود به ارزیابی و تحلیل تجارب کشورهای گوناگون (اسلامی و غیراسلامی) در رابطه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی پرداخته و تلاش می‌کنند تا ضمن مقایسه جامع این الگوها، تشابهات و تفاوت‌های آن ها را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند. پس از آن ضمن بررسی وضع موجود نظام بانکداری کشور، برنامه عملیاتی مناسب در سه بازه زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت به منظور اجرایی شدن مسئله نظارت شرعی در بانکداری بدون ربا در ایران ارائه می‌نمایند. همچنین، مقاله تلاش می‌کند تا منافی که راه اندازی الگوی نظارت شرعی در بانکداری ایران به همراه خواهد داشت و همچنین چالش‌ها و مشکلات احتمالی در این زمینه را

برجسته نموده و راه‌حلهایی ابتدایی به منظور حل این مشکلات ارائه نماید. یافته‌های این تحقیق که به روش کتابخانه‌ای، مرور گسترده ادبیات و تحلیل محتوا انجام می‌شود، نشان می‌دهد که راه‌اندازی الگوی نظارت شرعی در نظام بانکداری بدون ربا در کشور، امکان‌پذیر بوده و می‌تواند منافع مشخصی به همراه داشته باشد که یکی از آنها ارتقاء سطح اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی می‌باشد. همچنین مسئله راه‌اندازی نظام نظارت شرعی، می‌تواند به عنوان یکی از محورهای طرح تحول نظام بانکی که قرار است در آینده‌ای نزدیک اجرایی گردد، مطرح شود.

محقق‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله خود تحت عنوان بانکداری اسلامی در مالزی: مطالعه موردی بانک الراجحی به بررسی یکی از فعالترین بانکهای مالزی پرداخته‌اند. بدین منظور از صورتهای مالی این بانک در طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۴ استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم ارائه خدمات متعدد بانکی اسلامی، هنوز هم در برخی از موارد از جمله عقود مضاربه‌ای و مشارکتی کاستی‌هایی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در نگاهی منصفانه پیرامون بانکداری جاری در کشور، نه می‌توان به صورت افراطی اظهار کرد که نشانی از بانکداری اسلامی در نظام بانکی کشور وجود ندارد و نه با ذوق‌زدگی می‌توان گفت که آنچه در نظام بانکی کشور اجرا می‌شود دقیقاً همان چیزی است که بانکداری اسلامی در نظر دارد. واقعیت این است که نظام بانکداری کشور، هنوز در میانه راه قرار دارد، به این معنا که قوانین بانکداری کشور به لحاظ فقهی و شرعی با اشکال مواجه نیستند، زیرا در زمان تصویب قوانین بانکداری اسلامی هم شورای نگهبان انطباق این قوانین با شرع مقدس اسلام را تایید کرد و هم مراجع آن زمان این قوانین را تایید کردند. البته این به معنای آن نیست که بهتر از این نمی‌شد قوانین را وضع کرد، بلکه باید توجه داشت که همواره امکان ایجاد وضعیت مطلوب‌تر وجود دارد و می‌توان با مطالعه مجدد و بازنگری، از عقود دیگری نظیر صکوک اسلامی استفاده شده در مالزی که براساس عقد اجاره است، و یا از صکوک ترکیبی مبتنی بر دارایی و بدهی (نظرپور و گل‌محمدی، ۱۳۹۱) برای رفع مشکلات موجود در اوراق مشارکت در قانون بانکداری بدون ربا استفاده کرد که پیش از این به هر دلیل، قانون‌گذاران به آن توجه نداشته‌اند.

با توجه به موارد ذکر شده، در زمینه‌های قانون، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی و روش‌های اعطای تسهیلات و ارائه خدمات باید بازنگری کرد، تا از وضعیت میانه‌ای که بر محقق کردن نظام بانکداری اسلامی حاکم است، خارج شده و با گام‌های بلند به اهداف نهایی بانکداری اسلامی نایل آییم.

منابع

۱. اقتراح، ۱۳۸۱، "آیا بانکداری ایران، اسلامی است؟"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوم: ۲۳-۹
۲. آذری نیا، محمد علی، ۱۳۸۵، "مالزی کشوری با دو نظام بانکی مستقل"، ۱۸ آذر ۱۳۸۵، ماخذ از www.saderatbank.blogfa.com
۳. آقانظری، حسن، ۱۳۸۳، "ارزیابی طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی"، سخن نخست، مجله اقتصاد اسلامی، زمستان ۱۳۸۳.
۴. القری بن عید، محمد علی، ۱۳۸۴، "مشکلات بانک های اسلامی و راه حل آنها"، ترجمه غلام رضا مصباحی مقدم، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، زمستان ۱۳۸۴: ۱۹۰-۱۵۹.
۵. تقی زاده خدیجه (۱۳۹۱)، "بانکداری اسلامی در برخی کشورهای جهان"، مجله اقتصاد ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی شماره های ۶ و ۷، شهریور و مهر ۱۳۹۱، صص ۴۷-۸۰.
۶. عقیلی کرمانی، پرویز، ۱۳۸۷، "راهکار های عملی برای انطباق بانکداری اسلامی با ضوابط و مقررات بانکداری بین الملل"، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، شهریور ۱۳۸۷، ۳۶۳-۳۷۹.
۷. فرجی، یوسف و حمیدرضا فتحی آشتیانی (۱۳۸۴)، "بررسی مقایسه‌ای ابزارهای تأمین مالی در بانکداری اسلامی ایران و مالزی"، مجموعه مقالات برگرفته از پایان نامه‌های منتخب کارشناسی/ارشد، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
۸. منظور، داوود، رحیمی، امیر محمد و محمدی، محسن ۱۳۸۷، "بانکداری اسلامی در رقابت با بانکداری متداول، موانع و چالش های پیشرو"، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، شهریور ۱۳۸۷، ۴۰۳-۳۸۵.
۹. محقق نیا، محمد جواد، سحر وظیفه و بهنام نیک‌بین (۱۳۹۴)، "بانکداری اسلامی در مالزی: مطالعه موردی بانک الراجحی"، مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۰ و ۱۱ شهریور ۱۳۹۴، تهران، جلد دوم، صص ۴۸-۷۵.
۱۰. مشکین، فردریک اس (۱۳۸۸)، *اقتصاد پول، بانکداری بازاری مالی*، ترجمه و تألیف حسین قضاوی
۱۱. موسویان، سید عباس، ۱۳۸۰، "الگوی جدید از بانکداری اسلامی"، مجموعه سخنرانی های ماهانه سال ۱۳۷۹، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تابستان ۱۳۸۰، تهران، ۳۴-۱.
۱۲. موسویان، سید عباس، ۱۳۸۱، "مصادیق آشکار و پنهان ربا در نظام بانکی ایران"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوم: ۹۰-۶۷

۱۳. موسویان، سید عباس، ۱۳۸۲، "انواع بانک های بدون ربا"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال سوم: ۴۹-۷۸
۱۴. موسویان، سید عباس، ۱۳۸۵، بانکداری اسلامی در میانه راه، ۲۵ آذر ۱۳۸۵، مآخوذ از www.rastak.com آدرس
۱۵. میسمی، حسین، سید عباس موسویان، محسن عبدالهی و حامد امرالهی (۱۳۹۱)، "تحلیل و مقایسه تجربه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی در سایر کشورها: دلالت هایی برای نظام بانکداری بدون ربا در کشور"، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی سال چهارم، شماره دوم - بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۵۳-۹۱.
۱۶. نادری کزج، محمود و صادقی، حسین، ۱۳۸۲، "بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانک های غیر ربوی با بانک های ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها"، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای اقتصادی، نهم و دهم: ۲۵-۵۲
۱۷. نجفی علمی، کاظم (۱۳۷۵)، "بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا و رهیافت برای حل مشکلات موجود"، رساله دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۱۸. نظرپور، محمد نقی و طیبه گل محمدی (۱۳۹۱)، "کاربرد صکوک برای تجهیز منابع بانکی با استفاده از تجربه کشور مالزی". مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۰ و ۱۱ شهریور ۱۳۹۴، تهران، جلد اول، صص ۵۱-۸۲.
۱۹. نوروزی، داریوش، ۱۳۸۶، "بانکداری اسلامی به رنگ دلار"، ۱۱ شهریور ۱۳۸۶، مآخوذ از www.bina.ir آدرس
- 20- Ahmad, N. Haron, S., 2002, "Perceptions of Malaysia Corporate Customers Towards Islamic Banking Products & Services", *International Journal of Islamic Financial Services* 3,4(2002).
- 21- Al-Ajlouni, A., 2007, "Developing Strategies for Islamic Banks to Face the Future Challenges of Financial Globalization", *Proceedings of the 2nd Islamic Conference*, 2007.
- 22- Dusuki, Asyraf Wajdi and Abdullah, Nurdianawati Irwani, 2007. "Why do Malaysian customers patronize Islamic banks?", *International Journal of Bank Marketing*, Vol. 25 No. 3, 2007, pp. 142-160.
23. Harron, Sudin, 1998, "A Comparative Study of Islamic Banking Practices", *J.KAU: Islamic Economics*, Vol. 10, pp. 23-50 (1418 A.H / 1998 A.D)
- 24- Iqbal, M. Ahmad, A Khan, T, 1998, "Challenges Facing Islamic Banking, Islamic research and training institute", *Islamic development bank, occasional paper no.1*, 1998
- 25- Mokhtar. H.S, A. Abdullah, N. Al-Habashi, S.M., 2006, "Efficiency of Islamic Banking in Malaysia: A Stochastic Frontier Approach", *Journal of Economic Cooperation* 27, 2(2006) 37-70.

- 26- Rosly, Saiful Azhar and Abu Bakar, Mohd Afandi , 2003, "Performance of Islamic and mainstream banks in Malaysia", International Journal of Social Economics, Vol. 30 No. 12, 2003, pp. 1249-1265
27. Samad, Abdus, Norman D. Gardner, and Bradley J. Cook, 2005, "Islamic Banking and Finance in Theory and Practice: The Experience of Malaysia and Bahrain", The American Journal of Islamic Social Sciences 22:2, PP.69-86.
- 28- Yusof, Eddy and Fahmy, Ezry, 2010, "Are Islamic banks in Malaysia really 'Islamic'?", MPRA Paper No. 20901, February 2010
- 29- www.islamic-banking.com

